

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره دهم ، شماره سی و پنجم ، بهار ۱۳۹۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۰۹

صفحات: ۹۵ - ۱۱۹

رابطه ی پنج عامل بزرگ شخصیت و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با رفتار های هنجار شکنانه در مراجعین به مراکز انتظامی شهرستان سمنان

پرویز صباحی^۱، حسین عساری^{۲*}

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین پنج عامل شخصیت و راهبردهای شناختی تنظیم هیجان با رفتارهای هنجارشکنانه در مراجعین به مراکز انتظامی شهرستان سمنان انجام شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش را مراجعین به مرکز انتظامی شهرستان سمنان با موضوع نزاع و درگیری تشکیل دادند که از تعداد ۶۱۲ پرونده موجود با موضوع نزاع و درگیری ۲۳۶ نفر براساس فرمول کوکران با روش تصادفی دردسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های شخصیتی نئو، پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و همکاران و پرسشنامه شناختارهای جرم زا استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد تنها مولفه روان رنجوری رابطه معنی داری با رفتار هنجارشکنانه دارد. همچنین مولفه روان رنجوری به همراه مولفه برونگرایی توانسته متغیر رفتار هنجار شکنانه را مورد پیش بینی

۱ : دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه سمنان - p_sabahi@yahoo.com

۲ : کارشناسی ارشد روانشناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران - h.assari.۴@gmail.com

قرار دهد و بین متغیر رفتار هنجارشکنانه و تنظیم شناختی هیجان، مولفه های سرزنش خود، پذیرش شرایط، نشخوارفکری، تمرکز مجدد، ارزیابی مجدد مثبت، فاجعه آمیز، سرزنش دیگران رابطه وجود دارد. بر طبق این یافته های مولفه روان رنجوری رابطه معنی داری با رفتار هنجارشکنانه دارد. مولفه روان رنجوری به همراه مولفه برونگرایی توانسته متغیر رفتار هنجار شکنانه را مورد پیش بینی قرار دهد همچنین بیشترین میزان پیش بینی رفتار هنجارشکنانه مربوطه به مولفه نشخوار فکری بوده است، پس از آن به ترتیب مولفه تلقی فاجعه آمیز، سرزنش دیگران و ارزیابی مجدد مثبت، رفتار هنجار شکنانه را مورد پیش بینی قرار دهند

کلمات کلیدی: پنج عامل شخصیت، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان، رفتار هنجارشکنانه



مقدمه

اساساً آسیب های اجتماعی ناشی از روابط ناسالم انسانی است که بنیان های جامعه را به طور جدی تهدید می کند و مانع تحقق نیازمندی ها و تقاضاهای افراد کثیری می گردد. به نظر می رسد آسیب اجتماعی وقتی به وجود می آید که نهادهای تنظیم کننده روابط بین افراد با شکست روبرو شده و دچار تزلزل شوند که نتیجه آن شکل گیری شکاف های عمیق بین افراد است. در چنین وضعیتی قوانین تنظیم کننده رابط انسان ها مورد بی احترامی قرار میگیرند و متزلزل می شوند زیرا قانونمندی و پذیرش قانون ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه قابل بررسی است (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴). جامعه شناسان و آسیب شناسان اجتماعی عمده ترین آسیبهای اجتماعی در جامعه امروز ایران را چنین برشمرده اند: اعتیاد، روسپی گری، نزاع و درگیری، سرقت، قتل، خودکشی، فرار، تکدی و جرایم مالی. از این رو، این گونه آسیبها در نظر آسیب شناسان اجتماعی دارای اهمیت و اولویت در مطالعه و پژوهش و اقدام اجتماعی قرار دارد

(خراطها و جاوید، ۱۳۸۴). پدیده نزاع و درگیری در جامعه، از آن دسته آسیب هایی است که با ایجاد اخلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می آورد که این امر با زمینه سازی برای ایجاد نزاع و تنش های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می سازد.

از آنجا که حجم قابل توجهی از پرونده ها و موارد ۱۱۰ مربوط به بروز رفتار هنجار شکنانه در سطح جامعه می باشد و لزوم شناخت کافی مددکاران و مامورین نیروی انتظامی از ارتباطات شخصیتی و هیجانی افراد در مدیریت بهتر مشکلات و سازش و پیشگیری از بروز مجدد آنها بسیار کمک کننده خواهد بود. در زمینه رفتار های هنجارشکنانه ای ازین دست مطالعات زیادی صورت گرفته اما در خصوص رابطه بین این گونه رفتار ها با صفات شخصیتی افراد و راهبرد های شناختی هیجانی به کارگیری شده توسط افراد (به طور توام) پژوهش جامعی صورت نگرفته است.

انسان عصر حاضر با توجه به پیچیدگی ها و دشواری های زندگی جهت رسیدن به رشد و پیشرفت در جنبه های گوناگون می بایست از توانایی لازم و کافی جهت مقابله با موقعیت های دشوار زندگی برخوردار باشد. یکی از مهمترین این توانایی ها، توانایی تنظیم و کنترل هیجانها در زمینههای مختلف می باشد. در سالهای اخیر توجه متخصصان به موضوع تنظیم هیجان در سازگاری با رویداد های استرسزا در زندگی باعث گردیده تا برخی پژوهشگران به مطالعه ی راهکارهای شناختی مؤثر بر کنترل و تنظیم هیجان بپردازند (برای مثال گلמן^۱، ۱۹۹۵؛ مایر، کاروسو و سالووی^۲، ۲۰۰۰؛ به نقل از بهرامی، ۱۳۹۰). شواهد زیادی نشان می دهد که تنظیم هیجان با موفقیتیا عدم موفقیت در حوزه های مختلف زندگی مرتبط است (شاته^۳ و همکاران، ۲۰۰۷).

^۱ Golman

^۲ Mayer, Caruso & Salovey

^۳ Schutte

علی رغم گذشته، امروزه نظریه های جدید در قلمرو هیجان بر نقش مثبت و انطباقی هیجان تأکید دارند (مثلاً لازاروس^۱، ۱۹۹۱؛ تویی و کاسمیدز^۲، ۱۹۹۰؛ فردریکسون^۳، ۲۰۰۱) و نشان می دهند که هیجان می تواند نقش سازنده ای در حل مسئله، پردازش اطلاعات (پالفای و سالووی^۴، ۱۹۹۳)، فرایند تصمیم گیری (آیزن، روزن زویگ و یونگ^۵، ۱۹۹۱)، نو آوری و خلاقیت (استردا^۶، یونگ و آیزن، ۱۹۹۷) و افزایش یادگیری (کاهیل^۷ و همکاران، ۱۹۹۴) داشته باشد. با این حال نباید فراموش کرد که هیجان ها همواره سودمند نیستند و در بیشتر اوقات باید آنها را تنظیم و مدیریت کرد. فقدان توانایی تنظیم هیجان می تواند منجر به برانگیختگی های هیجانی زیان آور، ناسازگاری و عدم هدایت هیجان شود و بدین ترتیب مانع از داشتن توانایی عملکرد سازش یافته و شایسته گردد (مولائی، ۱۳۸۹). افرادی که در تنظیم هیجان های خود مهارت ندارند قادر نخواهند بود از خود در مقابل تنیدگی محافظت نمایند. چنین افرادی، افسردگی، ناامیدی و اندیشه پردازی خودکشی بیشتری را گزارش می دهند (تاج دهقانی، ۱۳۹۱).

بنابراین مدیریت و سازماندهی هیجانها به فرد کمک می کند تا در شرایط استرس زا از راهبردهای سازش یافته، کار آمد و مثبت تنظیم هیجان استفاده کند و بر عکس، هر چه مدیریت و سازماندهی هیجانی ضعیفتر باشد، احتمال بروز بحران های هیجانی در شرایط استرس زا و استفاده از راهبرد های سازش نا یافته تر و نا کار آمد تر مثل راهبرد های هیجان مدار منفی، افزایش می یابد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

^۱ Lazarus

^۲ Tooby & Cosmides

^۳ Fredrickson

^۴ Palfai & Saolovey

^۵ Isen, Rosenzweig & Young

^۶ Estrada

^۷ Cahill

به باور گارنفسکی و کرایچ^۱ (۲۰۰۶)، استراتژی های تنظیم شناختی هیجان، کنش هایی هستند که نشانگر راه های کنار آمدن فرد با شرایط استرس زا و یا اتفاقات ناگوار است یا به نحوه تفکر افراد پس از بروز یک تجربه منفییا واقعه آسیب زا اطلاق می گردد. از جمله رایج ترین این راهکارهای شناختی می توان به سرزنش خود^۲، سرزنش دیگران^۳، نشخوار فکری^۴، تلقی فاجعه آمیز^۵، توسعه ی چشم انداز^۶ (دیدگاه گیری)، تمرکز مجدد مثبت^۷، ارزیابی مجدد مثبت^۸، پذیرش شرایط^۹ و تمرکز مجدد بر برنامه ریزی^{۱۰} اشاره نمود (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۹). به لحاظ نظری راهبردهای سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار فکری، تلقی فاجعه آمیزبه عنوان راهبردهای سازش نایافته تنظیم شناختی هیجان در نظر گرفته می شوند، در حالی که راهبردهای پذیرش شرایط، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و توسعه ی چشم انداز، تحت عنوان راهبردهای سازش یافته تنظیم شناختی هیجان مطرح می شوند (گارنفسکی، کرایچ و اسپینهاون^{۱۱}، ۲۰۰۱). به نظر می رسد مانند هر مقوله روان شناختی، هیجان و تنظیم آن هم، از عوامل موقعیتی و عوامل فردی تأثیر می پذیرد. علیرغم این که ظرفیت شناختی تنظیم هیجان، کلی و جهان شمول است اما نمی توان تفاوت های فردی را در افکار و روش هایی که هر فرد در هیجان، خود را تنظیم میکند نادیده گرفت.

^۱ Garnefski & Kraaij

^۲ self-blame

^۳ other-blame

^۴ rumination

^۵ catastrophizing

^۶ putting in to perspective

^۷ positive reappraisal

^۸ positive refocusing

^۹ acceptance

^{۱۰} refocus on planning

^{۱۱} Spinhoven

شخصیت را شاید بتوان اساسی ترین موضوع علم روان شناسی دانست، زیرا محور اساسی بحث در زمینه هایی مانند یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، عواطف، احساسات، هوش و مواردی از این قبیل است (شاملو، ۱۳۸۲). شخصیت، یک سازه ی کلی است که از مجموعه ویژگی های فردی تشکیل می شود و به سه عامل تفکر، عواطف و رفتارهای بیرونی قابل مشاهده که در تعامل با عناصر محیط ایفای نقش می نماید، اشاره دارد (نجمی و حسن زاده، ۱۳۸۹). در سال های گذشته، تحقیقات شخصیت فاقد یک چهارچوب قابل قبول در جهت توصیف ساختار و ذات شخصیت بوده و در خصوص خصیصه های شخصیتی میان محققین اختلاف نظرو وجود داشته است.

با این وجود امروزه توافق حاصل شده است که مدل پنج عاملی شخصیت که اغلب «پنج بزرگ»^۱ نامیده می شود می تواند برای توصیف بیشتر جنبه های برجسته شخصیت افراد مورد استفاده قرار گیرد (نیک بخش، جوادی و مظفری، ۱۳۸۶). مک کری و کاستا^۲ (۱۹۸۷) با استفاده از تحلیل عاملی به این نتیجه رسیدند که می توان بین تفاوت های فردی در خصوصیات شخصیتی پنج بعد عمده را منظور نمود. روان رنجور خوئی^۳ (N) به تمایل فرد برای تجربه اضطراب، تنش، ترحم جویی، خصومت، تکانشوری، افسردگی و عزت نفس پایین بر می گردد. در حالیکه برون گرایی^۴ (E) به تمایل فرد برای مثبت بودن، جرات طلبی، پر انرژی بودن و صمیمی بودن اطلاق می گردد. تجربه پذیری^۵ (O) به تمایل فرد برای کنجکاوی، عشق به هنر، هنرمندی، انعطاف پذیری و خردورزی اشاره دارد. در حالیکه توافق پذیری^۶ (A) با تمایل فرد برای بخشندگی، مهربانی، سخاوت، همدلی و همفکری، نوع دوستی و اعتماد ورزی همراه است. سر انجام اینکه وظیفه شناسی^۷ (C) به تمایل فرد برای

^۱ big five

^۲ Mccare & Costa

^۳ neuroticism

^۴ extraversion

^۵ openness to experience

^۶ agreeableness

^۷ conscientiousness

منظم بودن، کارا بودن، قابلیت اعتماد و اتکا، خود نظم بخشی، پیشرفت مداری، منطقی و آرام بودن اطلاق می گردد. با توجه به اینکه پنج عامل بزرگ شخصیت به عنوان متغیری مهم در پژوهشهای مختلف مورد بررسی علمی قرار گرفته و ارتباط این صفات شخصیتی با دیگر متغیرهای روانشناختی مورد توجه روانشناسان و پژوهشگران قرار گرفته است، مبحث شخصیت و هیجان نیز موضوعی است که توجه پژوهشگران را به خود جلب نموده است. پژوهشگران علاقمند هستند که در مورد ارتباط شخصیت و راهبردهای تنظیم هیجان اطلاعاتی داشته باشند. تنظیم هیجان به معنی فرآیندهایی است که از طریق آنها فرد هیجانهای خود را ارزیابی، نظارت و حفظ میکند و یا این هیجانها را تغییر میدهد (تامسون ۱۹۹۴)

با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر به بررسی رابطه پنج عامل شخصیت و راهبردهای شناختی تنظیم هیجان^۱ با رفتار هنجارشکنانه می پردازد..

روش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را مراجعین به مرکز انتظامی شهرستان سمنان با موضوع نزاع و درگیری تشکیل دادند که از تعداد ۶۱۲ پرونده موجود با موضوع نزاع و درگیری در سال ۱۳۹۸ تعداد ۲۳۶ نفر براساس فرمول کوکران با روش تصادفی دردسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. تعدادی به حجم این نمونه افزوده شد که اگر برخی پرسشنامه ها به طور ناقص تکمیل گردیدند کنار گذاشته شوند. ملاک های ورود به پژوهش شامل دارا بودن مشکل نزاع و درگیری ، محدوده سنی ۱۵ به بالا ، تحصیلات حداقل سیکل و ملاک های خروج : داشتن ناتوانی جسمی و

^۱Emotional Cognitive Strategies

شناختی بود. برای انجام این تحقیق پس از مصاحبه اولیه توسط مجری طرح با مراجعین دارای مشکل نزاع و درگیری در مراکز انتظامی شهرستان سمنان با توضیح کامل اهداف پژوهش و اخذ رضایت ایشان، با تکمیل فرم جمعیت شناختی، ارزیابی پنج عامل شخصیت و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و شدت رفتار هنجار شکنانه به وسیله پرسشنامه های یاد شده با اعلام داوطلبانه بودن در خصوص شرکت در طرح و رعایت محرمانه بودن اطلاعات، پرسشنامه ها در اختیار مراجعین قرار گرفت. پروتکل انجام این تحقیق هیچ گونه تضادی با موازین اخلاقی پژوهش نداشت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده گردید. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل موارد زیر می باشد:

۱. برگه اطلاعات جمعیت شناختی: به منظور جمع آوری اطلاعات فردی آزمودنی ها

، برگ اطلاعات فردی طراحی شد که دارای ۸ سوال بود. در این برگه ، اطلاعاتی مانند سن ، جنسیت ، تحصیلات ، میزان درآمد ، مجرد و تاهل ، محل زندگی ، وضعیت اشتغال ، علت مراجعه ، دفعات مراجعه از مراجعین گرفته شد .

۲. پرسشنامه شخصیتی نئو: یکی از ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش،

پرسشنامه پنج عاملی نئو که توسط کاستا و مک کری (۱۹۹۲) تهیه شده است می باشد که از آن برای سنجش ابعاد شخصیتی استفاده گردیده است. پرسشنامه پنج عاملی نئو مقیاس مختصری برای سنجش پنج عامل اساسی شخصیت است (مک کری و کاستا، ۲۰۰۴). این پرسشنامه دارای ۶۰ آیتم است که ابعاد پنج گانه شخصیت بهنجار را می سنجد. این پنج بعد عبارتند از روان رنجورخویی، برون گرایی، تجربه پذیری، توافق پذیری و وظیفه شناسی، هر بعد شامل ۱۲ آیتم است. از آزمودنی خواسته می شود با توجه به درکی که از خودش دارد میزان موافقت یا مخالفت خود را بر روی مقیاس ۵ درجه ای لیکرت مشخص کند (۰=کاملاً مخالف، ۴=کاملاً موافق). مک کری و کاستا (۲۰۰۴) نیز به منظور بررسی روایی پرسشنامه شخصیتی نئو همزمان از مقیاس NEO-PI-R استفاده کرده و ضریب روایی ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۴، ۰/۷۱ و ۰/۷۷ را به ترتیب برای عوامل روان رنجورخویی، برون گرایی، تجربه پذیری، توافق پذیری و وظیفه شناسی گزارش کردند. پایایی بازآمایی دو هفته ای پرسشنامه شخصیتی نئو بالا بوده و برای پنج مقیاس از ۰/۸۶ تا

۰/۹۰ گزارش شده است. عطاری، امان الهی فرد و مهرابی زاده هنرمند (۱۳۸۵) این را با استفاده از روش بازآزمایی بر روی ۶۴ نفر به فاصله دو هفته برای عوامل A, O, E, N و C به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۲ گزارش کردند. پژوهش های مختلف از ضریب آلفای کرونباخ برای نشان دان همسانی درونی این ابزار استفاده کرده اند. اشمیتز و همکاران (۲۰۰۱) برای پنج عامل A, O, E, N و C به ترتیب آلفای کرونباخ را ۰/۸۵، ۰/۸۰، ۰/۷۱، ۰/۷۱ و ۰/۷۱ گزارش کردند. کیامهر (۱۳۸۱) پایایی این آزمون را با روش بازآزمایی و اجرای مجدد بر روی ۳۳۶ نفر برای پنج عامل اصلی شخصیت یعنی روان رنجورخویی، برون گرایی، تجربه پذیری، توافق پذیری و وظیفه شناسی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۳، ۰/۴۲، ۰/۵۸، و ۰/۷۷ گزارش کرده است. گروسی فرشی، مهریار و قاضی طباطبایی (۱۳۸۰) با اجرای پرسشنامه روی نمونه دانشجویان ایرانی ضرایب آلفا برای عوامل اصلی N, E, O, A و C به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ برآورد نمودند.

است.

۳. پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان: این پرسشنامه توسط گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۲) تدوین شده است. این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی است و دارای ۳۶ ماده است. اجرای این پرسشنامه خیلی آسان بوده و برای افراد ۱۲ سال به بالا (هم افراد بهنجار و هم جمعیت های بالینی) قابل استفاده می باشد. پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان نه راهبرد شناختی سرزنش خود، پذیرش شرایط، نشخوار فکری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه گیری، تلقی فاجعه آمیز و سرزنش دیگران را مورد ارزیابی قرار می دهد.

نسخه فارسی پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان در ایران توسط حسنی (۱۳۸۹) تدوین شده است. اعتبار زیرمقیاس های نسخه فارسی این پرسشنامه بر اساس روش های همسانی درونی ۰/۷۶ تا ۰/۹۲، بازآزمایی ۰/۵۱ تا ۰/۷۷ و روایی ملاکی بر اساس محاسبه همبستگی آن، نمره های سپاهه دوم افسردگی بک (۱۹۹۶)، ۰/۲۵ تا ۰/۴۸ و سازه آن بر اساس تحلیل مؤلفه اصلی با استفاده از چرخش واریماکس (با تبیین ۷۴ درصد واریانس) مطلوب گزارش شده است (حسنی، ۱۳۸۹). در مطالعه بشارت (۱۳۹۰) ویژگی های روان سنجی این فرم شامل همسانی درونی، پایایی، بازآزمایی، روایی محتوایی، روایی همگرا و تشخیصی

(افتراقی) مطلوب گزارش شده است. هم چنین بشارت (۱۳۸۸) در بررسی مقدماتی ویژگیهای روان سنجی این پرسشنامه در نمونه ای از جمعیت عمومی ($n=368$, $n=197$ زن و ۱۷۱ مرد)، ضرایب آلفای کرونباخ را برای خرده مقیاس ها از ۰/۶۷ تا ۰/۸۹ گزارش نمود. هم چنین سازندگان این پرسشنامه پایایی آن را از طریق آلفای کرونباخ برای راهبردهای مثبت ۰/۹۱، راهبردهای منفی ۰/۸۷ و کل پرسشنامه ۰/۹۳ گزارش کرده اند.

۴. پرسشنامه شناختارهای جرم زا^۱: یک ابزار خودگزارش دهی مرتبط با جرم است. نسخه ابتدایی این پرسشنامه توسط تانگنی^۲ و همکارانش (۲۰۰۲) تهیه شد و در سال ۲۰۱۲ مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. این پرسشنامه ۲۵ آیتم و ۵ خرده مقیاس دارد که عبارتند از: شناخت های مرتبط با استحقاق، شکست در پذیرش مسئولیت، لذت (کامرواسازی) کوتاه مدت، عدم حساسیت (بی اعتنائی) به تأثیر جرم و نگرش منفی به سوی صاحبان قدرت. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و خرده مقیاس های پنج گانه به ترتیب: ۰/۸۱، ۰/۶۱، ۰/۶۶، ۰/۶۱، ۰/۶۲ و ۰/۷۵ گزارش شد. همبستگی مقیاس شناختارهای جرم زا با درگیری در رفتارهای جنایی، شاخص خودگزارش دهی پرخاشگری، تکانش پذیری و فقدان همدلی، نشان دهنده روایی ابزاری بود. همبستگی منفی شناختارهای جرم زا با درآمد، هوش و سطح تحصیلات، شاخص دیگر روایی پرسشنامه بود (یامن^۳، ۲۰۱۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ . Criminogenic Cognitions Scale (CCS)

^۲ . Tangney

^۳ . Youman

یافته ها

در جدول ۱ شاخص های توصیفی متغیرها شامل میانگین و انحراف استاندارد متغیر های پنج عامل شخصیت، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و رفتارهای هنجارشکنانه ارائه شده است.

جدول شماره ۱: اطلاعات توصیفی مربوط به متغیر های ویژگی های شخصیتی، راهبردهای شناختی تنظیم

متغیر	مولفه	میانگین	انحراف استاندارد
رفتار هنجارشکنانه	-	۶۲/۰۰	۸/۷۷
صفات شخصیتی	روان رنجوری	۲۴/۱۳	۵/۶۷
	برونگرایی	۲۶/۵۱	۶/۱۴
	تجربه پذیر	۲۳/۸۰	۳/۵۹
	توافق پذیر	۲۶/۵۰	۵/۷۰
	وجدان گرا	۲۹/۳۲	۷/۴۲
	سرزنش خود	۱۱/۱۷	۳/۰۰
تنظیم شناختی هیجان	پذیرش شرایط	۱۲/۰۵	۲/۹۱
	نشخوار فکری	۱۲/۵۵	۲/۸۳
	تمرکز مجدد مثبت	۱۲/۷۴	۳/۱۶
	تمرکز مجدد بر برنامه ریزی	۱۲/۹۰	۳/۴۱
	ارزیابی مجدد مثبت	۱۲/۸۴	۳/۵۰
	دیدگاه گیری	۱۲/۰۴	۲/۵۸
	تلقی فاجعه آمیز	۱۱/۹۸	۳/۰۴
	سرزنش دیگران	۱۰/۶۸	۳/۳۸

هیجان و رفتارهای هنجارشکنانه

به منظور بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون انجام شد که در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای ویژگی های شخصیتی، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و رفتارهای هنجارشکنانه نمایش داده شده است.

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای ویژگیهای شخصیتی، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و رفتارهای هنجارشکنانه

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
رفتار هنجارشکنانه	-														
سرزنش خود	**۰/۳۴	-													
پذیرش شرایط	**۰/۴۰	**۰/۱۳	-												
نشخوار فکری	**۰/۴۱	**۰/۴۱	**۰/۲۷	-											
تمرکز مجدد مثبت	**۰/۱۴	-۰/۱۰	**۰/۲۳	**۰/۲۳	-										
تمرکز برنامه ریزی	۰/۰۳	-۰/۰۳	**۰/۲۱	**۰/۲۱	**۰/۵۷	-									
ارزیابی مجدد مثبت	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۸	**۰/۵۰	**۰/۵۷	-								
دیدگاه گیری	**۰/۲۶	**۰/۳۱	**۰/۲۶	**۰/۲۶	**۰/۲۲	**۰/۲۳	**۰/۴۰	-							
تلقی فاجعه آمیز	**۰/۳۹	**۰/۳۸	**۰/۲۸	**۰/۲۱	۰/۰۹	**۰/۱۸	**۰/۱۲	**۰/۲۱	-						
سرزنش دیگران	**۰/۳۱	**۰/۱۳	**۰/۲۵	**۰/۱۷	**۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۱	-					
روان زنجوری	**۰/۳۵	**۰/۳۲	-۰/۰۶	**۰/۳۷	۰/۰۳	-۰/۰۲۰	**۰/۵۲	**۰/۱۰	**۰/۱۳	**۰/۱۱	-				
برونگرایی	۰/۰۸	**۰/۳۷	-۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۵	**۰/۵۸	**۰/۱۱	**۰/۲۷	**۰/۲۵	**۰/۲۱	۰/۰۹	-			
گشودگی	-۰/۰۲	-۰/۱۸	**۰/۳۰	۰/۵۴	-۰/۰۲	**۰/۵۶	**۰/۲۸	**۰/۱۱	**۰/۱۳	**۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۰۵	-		
توافق پذیر	۰/۰۳	**۰/۲۲	-۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۵	**۰/۱۲	۰/۰۹	**۰/۲۹	**۰/۲۷	**۰/۲۲	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۱۰	-	
وظیفه شناسی	-۰/۰۳	**۰/۲۷	-۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۱۵	-۰/۰۴	**۰/۱۳	**۰/۱۵	**۰/۱۱	**۰/۱۵	۰/۰۴	۰/۱۳	**۰/۲۸	۰/۰۷	-

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

همانطور که مشاهده می شود بین متغیر رفتار هنجارشکنانه و تنظیم رفتار هیجانی رابطه وجود دارد، طبق یافته های این جدول بین متغیر رفتار هنجارشکنانه و سرزنش خود همبستگی مثبت (۰/۳۴۹)، برای مولفه پذیرش شرایط همبستگی (۰/۲۳۸)، برای مولفه نشخوار فکری همبستگی (۰/۴۱۳)، برای مولفه تمرکز مجدد مثبت همبستگی (۰/۱۴۸)، برای مولفه تمرکز برنامه ریزی همبستگی (۰/۰۳۴)، مولفه ارزیابی مجدد مثبت همبستگی (۰/۰۹۷)، مولفه دیدگاه گیری همبستگی (۰/۲۶۶)، مولفه تلقی فاجعه آمیز همبستگی (۰/۳۹۱)، و مولفه سرزنش دیگران همبستگی (۰/۳۱۸) گزارش شده است.

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود بین متغیر رفتار هنجارشکنانه و ویژگیهای شخصیتی رابطه وجود دارد، طبق یافته های این جدول بین متغیر رفتار هنجارشکنانه و

روان رنجوری همبستگی مثبت (۰/۳۵۲)، برای مولفه برونگرایی همبستگی (۰/۰۰۸)، برای مولفه گشودگی همبستگی منفی (۰/۰۲۸-)، برای مولفه توافق پذیر همبستگی (۰/۰۰۳) و نهایتاً برای متغیر وظیفه شناسی همبستگی منفی (۰/۰۳۹-) گزارش شده است. همچنین باید توجه داشت که تنهامولفه روان رنجوری در سطح ۰/۰۱ رابطه معنی داری با رفتار هنجارشکنانه دارد.

به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای پنج عامل شخصیت و راهبردهای شناختی تنظیم هیجان در پیش بینی رفتارهای هنجارشکنانه از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام^۱ استفاده شد. اما پیش از استفاده تحلیل رگرسیون، پیش فرض های استفاده از آن مورد آزمون قرار گرفت. آزمون کالموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده ها، آزمون دوربین واتسن برای بررسی استقلال خطاها، آزمون هم خطی با دو شاخص ضریب تحمل و عامل تورم واریانس انجام شد.

نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای متغیرهای پژوهش معنی دار نبود و فرض صفر مبنی بر نرمال بودن داده ها مورد تایید قرار می گیرد و متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمالی می باشند.

با تعیین آماره تولرانس (اغماض) برای تمامی متغیرهای پیش بین از طریق انجام تحلیل رگرسیون در حالتی که متغیرهای دیگر بر آن متغیر برگشت داده شدند، مشخص شد که آماره تولرانس در پیش بینی رفتار هنجارشکنانه در تحقیق حاضر ۱/۶۵۰ است که در واقع حاکی از عدم هم خطی و نیز حاکی از ثبات مدل رگرسیون است. همچنین عامل برافراشتگی واریانس^۲ برای تمامی متغیرهای پیش بین بین ۱/۰۰ تا ۱/۱۱۲ می باشد که نشانگر عدم وجود چندهم خطی است. بنابراین می توان گفت که در تحقیق حاضر بین متغیرهای پیش بین هم خطی چندگانه وجود ندارد.

^۱. Enter method

^۲. VIF = Variance Inflation Factor

برای پیش بینی رفتار هنجارشکنانه توسط ویژگی های شخصیتی مولفه روان رنجوری به عنوان اولین مولفه صفات شخصیتی وارد معادله شده با توجه به مقدار F (۲۶/۰۹۴) در سطح یک درصد معنادار می باشد، در گام دوم مولفه برونگرایی به همراه مولفه روان رنجوری وارد معامله شده و توجه به مقدار F (۲۶/۰۹۴) در سطح یک درصد معنادار می باشد،

جدول شماره ۳: پیش بینی میزان رفتار هنجارشکنانه با ویژگی های شخصیتی

Sig	R^2	ضریب استاندارد بتا	ضریب غیر استاندارد		شاخص آماری		
			خطای استاندارد	بتا	مولفه	گام	
۰/۰۱	۳۳/۱۹۹	۰/۱۲۴	۲/۳۴۳	۴۸/۸۶۰	عرض از مبدا	روان رنجوری	
			۰/۳۵۲	۰/۰۹۵	۰/۵۴۵	روان رنجوری	
۰/۰۱	۰/۱۸۳	۰/۱۱۲	۴/۷۲۷	۳۱/۸۸۵	عرض از مبدا	روان رنجوری	
			۰/۵۱۳	۰/۱۱۰	۰/۷۹۲	روان رنجوری	برون گرایی
			۰/۲۹۱	۰/۱۰۱	۰/۴۱۵	برونگرایی	

چنانچه در جدول ۳ نشان داده شده است گام ۱ (مولفه روان رنجوری) بیشترین سهم را در پیش بینی رفتار هنجارشکنانه با توجه به مقدار R^2 (۰/۱۲۴) دارد، این یعنی که متغیر روان رنجوری می تواند رفتارهای هنجارشکنانه را به مقدار (۰/۱۲) درصد پیش بینی کند، همچنین در گام ۲، مولفه برون گرایی به همراه مولفه روان رنجوری وارد معامله شده و با توجه به مقدار R^2 (۰/۱۸۳) توانسته متغیر رفتار هنجارشکنانه را مورد پیش بینی قرار دهد. این امر یعنی اینکه مولفه های روان رنجوری و برون گرایی به مقدار (۰/۱۸) درصد می توانند رفتار هنجارشکنی را پیش بینی کنند.

برای پیش بینی رفتار هنجارشکنانه توسط تنظیم رفتار هیجانی از روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است.. با توجه به یافته های پژوهش در گام ۱ متغیر نشخوار فکری به عنوان اولین متغیر پیش بینی وارد معادله شده با توجه به مقدار F (۴۸/۲۲۹) در سطح یک درصد معنادار می باشد، در گام ۲، مولفه نشخوار فکری به همراه مولفه تلقی فاجعه بار وارد معامله شده و با توجه به مقدار F (۴۲/۱۸۹) در سطح یک درصد

معنا دار می باشد، در گام ۳، مولفه نشخوار فکری به همراه مولفه تلقی فاجعه بار و سرزنش دیگران وارد معامله شده و باتوجه به مقدار $F(33/205)$ در سطح یک درصد معنا دار می باشد و در نهایت در گام ۴، مولفه نشخوار فکری به همراه مولفه تلقی فاجعه بار، سرزنش دیگران و ارزیابی مجدد مثبت وارد معادله شده و باتوجه به مقدار $F(26/248)$ در سطح یک درصد معنا دار می باشد.

جدول شماره ۴: پیش بینی میزان رفتار هنجارشکنانه با راهبردهای تنظیم شناختی هیجان

شاخص آماری	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	مقدار F	Sig
	خطای	بتا			
گام ۱	مولفه	بتا	۰/۱۷۲	۴۸/۲۲۹	۰/۰۰
	عرض از مبدا	۴۵/۷۵۸			
گام ۲	مولفه	بتا	۰/۲۶۸	۴۲/۱۸۹	۰/۰۰
	عرض از مبدا	۳۷/۴۹۰			
گام ۳	مولفه	بتا	۰/۳۰۲	۳۳/۲۰۵	۰/۰۰
	عرض از مبدا	۳۴/۵۴۹			
	نشخوار فکری	۱/۰۰۶			
گام ۴	مولفه	بتا	۰/۳۱۴	۲۶/۲۴۸	۰/۰۰
	عرض از مبدا	۳۰/۷۴۹			
	نشخوار فکری	۰/۹۵۵			
	تلقی فاجعه بار	۰/۸۳۲			
	سرزنش دیگران	۰/۵۰۹			
ارزیابی مجدد مثبت	۰/۲۹۹				

چنانچه در جدول ۴ نشان داده شده است گام ۱ (مولفه نشخوار فکری) بیشترین سهم را در پیش بینی رفتار هنجارشکنی باتوجه به مقدار $R^2(0/172)$ دارد، این یعنی که متغیر نشخوار فکری می تواند رفتارهای هنجارشکنانه را به مقدار $(0/17)$ درصد پیش بینی کند، همچنین در گام ۲، مولفه نشخوار فکری به همراه مولفه تلقی فاجعه بار وارد معامله شده و با توجه به مقدار $R^2(0/268)$ توانسته متغیر رفتار هنجارشکنانه را مورد پیش بینی قرار دهد. این یعنی اینکه مولفه های نشخوار فکری و تلقی فاجعه بار به مقدار $(0/27)$ درصد می توانند رفتار هنجارشکنانه را پیشبینی

کند. همچنین در گام ۳، مولفه نشخوارفکری به همراه مولفه تلقی فاجعه بار و سرزنش دیگران وارد معامله شده و با توجه به مقدار R^2 (۰/۳۰۲) توانسته اند متغیر رفتار هنجارشکنانه را مورد پیشبینی قرار دهد. این یعنی اینکه مولفه های نشخوارفکری، تلقی فاجعه بار و سرزنش دیگران به مقدار (۰/۳۰) درصد می توانند رفتار هنجارشکنانه را پیشبینی کند و در نهایت در گام ۴، مولفه نشخوارفکری به همراه مولفه تلقی فاجعه بار، سرزنش دیگران و ارزیابی مجدد مثبت وارد معامله شده و با توجه به مقدار R^2 (۰/۳۱۴) توانسته اند متغیر رفتار هنجارشکنانه را مورد پیشبینی قرار دهد. این یعنی اینکه مولفه های نشخوارفکری، تلقی فاجعه بار، سرزنش دیگران و ارزیابی مجدد مثبت به مقدار (۰/۳۱) درصد می توانند رفتار هنجارشکنانه را پیش بینی کند.

بحث و نتیجه گیری

چنانچه یافته های پژوهش نشان می دهد تنها مولفه روان رنجوری رابطه معنی داری با رفتار هنجارشکنانه دارد. همچنین مولفه روان رنجوری به همراه مولفه برونگرایی توانسته متغیر رفتار هنجارشکنانه را مورد پیش بینی قرار دهد، هرچند که توان پیش بینی خیلی پایین بوده است. هرچند که پژوهش های گذشته به طور دقیق به بررسی ارتباط ویژگی های شخصیت و رفتار هنجارشکنانه نپرداخته اند، اما یافته های پژوهش حاضر با پژوهش طباطبایی و همکاران (۱۳۹۴)، کراف و توپین (۲۰۰۹)، لیستوان (۲۰۰۷) تا حدودی همسو می باشند. این پژوهشگران در پژوهش خود نشان داده اند که افراد مجرم در مولفه روان رنجوری نمرات بالاتری کسب کرده اند.

در تبیین یافته های پژوهش باید به نظر آیزنک (نقل از هایس و جوزف، ۲۰۰۳) درباره افراد روان رنجور توجه داشت. وی معتقد بود که سیستم عصبی خودمختار در افراد روان رنجور حتی به عوامل استرسزای ملایم واکنش مفرط نشان می دهد که زودرنجی یا حساسیت بیش از حد مزمن به بار می آورد و این وضعیت به افزایش تهییج پذیری در پاسخ

به هر موقعیت دشواری منجر می‌شود، در واقع افراد روان رنجور به رویدادهایی که دیگران بی‌اهمیت می‌دانند به صورت هیجانی واکنش نشان می‌دهند. به عقیده آیزنک، این تفاوت‌های واکنش‌پذیری زیستی در بُعد روان‌آزرده‌گرایی، ذاتی هستند. به این معنی که افراد به صورت ژنتیکی به سمت روان‌آزرده‌گرایی یا پایداری هیجانی گرایش دارند.

همچنین در نظریه مک کری و کاستا (۱۹۹۲) روان رنجوری یا هیجان‌پذیری منفی مربوط به محرک‌های نیرومندی می‌باشد که لازمه بیرون کشیدن هیجانات منفی در شخص است. عامل هیجان‌پذیری منفی به توانایی شخص برای مقابله با استرس و تحمل آن اشاره دارد. از این عوامل به عنوان ثبات هیجانی نیز نام برده شده است. مردان و زنان با نمره بالا در روان رنجوری مستعد داشتن عقاید غیرمنطقی هستند و کمتر قادر به کنترل تکانشهای خود هستند و خیلی ضعیفتر از دیگران با استرس کنار می‌آیند. (آیزنک و آیزنک، ۱۹۶۴؛ نقل از مک کری و کاستا، ۱۹۹۲). نمرات بالا در روان رنجوری ممکن است نشانه احتمال بالا برای ابتلا به برخی از مشکلات روانپزشکی باشد. با توجه به اینکه بعد روان رنجوری در برابر ثبات هیجانی قرار می‌گیرد و طیف وسیعی از احساسات منفی از اضطراب، غمگینی، تحریک‌پذیری تا افسردگی را در بر می‌گیرد می‌توان گفت که افراد هنجارشکن در مقایسه با افراد بهنجار میزان بالاتری از اضطراب را نشان می‌دهند، از این رو این افراد آمادگی بالایی در ایجاد رفتار هنجارشکنانه می‌توانند داشته باشند.

چنانچه یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین متغیر رفتار هنجارشکنانه و تنظیم شناختی هیجان، مولفه‌های سرزنش خود، پذیرش شرایط، نشخوارفکری، تمرکز مجدد، ارزیابی مجدد مثبت، فاجعه آمیز، سرزنش دیگران رابطه وجود دارد. بر طبق این یافته‌های بیشترین میزان پیش‌بینی رفتار هنجارشکنانه مربوطه به مولفه نشخوار فکری بوده است، پس از آن به ترتیب مولفه تلقی فاجعه آمیز، سرزنش دیگران و ارزیابی مجدد مثبت، رفتار هنجارشکنانه را مورد پیش‌بینی قرار دهند. هرچند که مطالعات گذشته به طور دقیق به بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیت و رفتار هنجارشکنانه نپرداخته‌اند، اما پژوهش حاضر با پژوهش اکبری و همکاران (۱۳۹۷) و زمانی و همکاران (۱۳۹۷) همخوان بوده است. این پژوهشگران در پژوهش خود نشان داده‌اند که تنظیم شناخت هیجانی با رفتاری‌های ضد اجتماعی و رفتار بزهکاری رابطه دارد.

در تبیین یافته های پژوهش مبنی بر رابطه بین نشخوار فکری و رفتار هنجارشکنانه می توان گفت که نشخوار فکری عبارتست از تفکر مداوم و تفکرات همراه با اتفاقا خوشایند، بدون اقدام به اصلاح محیط بلا واسطه ی مؤثر (گارنفسکی، وان دم کومر و همکاران، ۲۰۰۲). افرادی که نشخوار فکری دارند، مکرراً و گهگاهی درباره ی مشکلات فکر می کنند (لاو ۲۰۰۵؛ به نقل از مک لم، ۱۳۹۰). اثبات شده است که شیوه مقابله ای نشخوار فکری با سطوح بالای افسردگی همراه می باشد و البته این نحوه ی تفکر تا حدی هم به مقابله مؤثر با شرایط تنیدگی زا کمک می کند (گارنفسکی، کرایچ و اسپینهاون، ۲۰۰۲؛ گارنفسکی وان دن کومر و همکاران، ۲۰۰۲). نشخوار فکری، مانع توجه، تمرکز و حل مشکل می شود. همچنین علائم افسردگی را تداوم می بخشد (برودریک، ۲۰۰۵؛ به نقل از مک لم، ۱۳۹۰) و منجر به افزایش موقت هیجانات منفی می شود. افزایش موقت نشخوار فکری، با افزایش موقت عصبانیت رابطه دارد و فرد هنگام نشخوار فکری درباره مسائل خاصی عصبانی می شود. نشخوار فکری و احساس عصبانیت می تواند منجر به افکار کینه جوینانه یا باعث تحریک کینه جویی شود (مک کالا، بانو و روت، ۲۰۰۷؛ به نقل از مک لم، ۱۳۹۰).

در تبیین یافته های پژوهش مبنی بر رابطه بین سرزنش دیگران و رفتار هنجارشکنانه می توان گفت سرزنش دیگران عبارتست از نحوه ی تفکر مبتنی بر اینکه دیگران مسئول و مقصر اتفاق بدی که برای شما رخ داده هستند. همچنین می توان گفت سرزنش خود و دیگران، سبک های اسنادی هر فردی هستند، طرز تفکر درونی، با ثبات و کلی بودن علیت تجارب و وقایع بخصوص وقایع منفی (گارنفسکی، وان دن کومر و همکاران، ۲۰۰۲). النبوگن^۱ (۲۰۱۵) در این خصوص بیان می کند که سرزنش خود و یا سرزنش دیگران به عنوان یک راهبرد تنظیم شناختی هیجان شبیه سبک های اسنادی است، اسنادهای که بیشتر درونی، ثابت و کلی هستند. راهبردهای تنظیم شناختی هیجان به افراد کمک می کند تا برانگیختگی ها و هیجان های منفی را تنظیم نمایند. این شیوه تنظیم با رشد، پیشرفت یا بروز اختلال های روانی رابطه مستقیم دارد (بروگینک^۲ و همکاران، ۲۰۱۶).

^۱. Ellenbogen

^۲. Bruggink

در تبیین یافته های پژوهش مبنی بر رابطه بین تلقی فاجعه آمیز و رفتار هنجارشکنانه می توان گفت که در تعریف تلقی فاجعه آمیز بیان شده است که فکر کردن به اینکه اتفاق رخ داده چقدر وحشتناک بوده و این اتفاق بدترین چیزی است که در زندگی هر کسی رخ می دهد. پژوهشگران نشان داده اند که کاربرد زیاد این راهبرد به مشکلات هیجانی و بیماری های روانی منجر می شود. (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۲). در کل این راهبرد با غیر انطباقی بودن، پریشانی هیجانی و افسردگی مرتبط می باشد (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۲). از این روی می توان بیان داشت که زمانی که فردی موقعیتی را فاجعه آمیز تلقی می کند، در آن موقعیت دست به رفتارهای هنجارشکنانه زده و رفتارهای را انجام می دهد تا از آن موقعیت رهایی یابد.

در تبیین یافته های پژوهش مبنی بر رابطه بین ارزیابی مجدد مثبت و رفتار هنجارشکنانه می توان به تعریف ارزیابی مجدد مثبت توجه کرد، این راهبرد یعنی فکر کردن درباره ی وقایع مثبت به جای وقایع منفی (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۲). تحقیقات نشان داده اند که این راهبرد به خودی خود تأثیر مثبت روی سلامت روانی انسان ها دارد؛ این راهبرد در کوتاه مدت یاری دهنده ولی در بلند مدت مانع از مقابله سازنده با رویداد منفی می گردد و سبب می گردد فرد در موقعیت های بزهکارانه و هنجارشکنانه با ارزیابی که از آن موقعیت برای خود می سازد دست به رفتارهای هنجارشکنانه بزنند. با توجه به ویژگی منفی رفتارهای هنجارشکنانه و تأثیر آن در بروز رفتارهای ضد اجتماعی پیشنهاد می گردد در جهت آگاهی افراد در سطح جامعه، برنامه های آموزشی رایگان توسط معاونت اجتماعی ناجا طرح ریزی شود.

منابع

منابع فارسی

۱. بشارت، محمدعلی (۱۳۸۸). بررسی مقدماتی ویژگی های روان سنجی پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
۲. بشارت، محمدعلی (۱۳۹۰). بررسی ویژگی های روان سنجی پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان در نمونه ای از جامعه ایران. مجله دانشکده پرستاری و مامایی، ۷۵،
۳. پروین، لارنس (بدون سال). شخصیت : نظریه و پژوهش. ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور (۱۳۸۹). تهران : رسا.
۴. پروین، لارنس. ای و جان، لیور پی (بدون سال). شخصیت. ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور (۱۳۸۹). چاپ سوم، تهران: آبیژ.
۵. حسنی، جعفر (۱۳۸۹). خصوصیات روان سنجی پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان. مجله روانشناسی بالینی، شماره ۳، ۷۳-۸۳
۶. ارونسون، الیوت (۱۹۹۱). روان شناسی اجتماعی. ترجمه ی حسین شکرکن (۱۳۸۵). تهران: انتشارات رشد.
۷. حسنی، جعفر؛ آزاد فلاح، پروین؛ رسول زاده طباطبایی، سیدکاظم و عشایری، حسن (۱۳۸۷). بررسی راهبردهای شناختی هیجان براساس ابعاد روان نژندگرایی و برون گرایی. مجله تازه های علوم شناختی، سال دهم، شماره ۳، ۳۴-۴۴.
۸. حق شناس، حسن (۱۳۷۸). هنجار یابی آزمون شخصیتی نئو (فرم تجدید نظر شده). مجله اندیشه و رفتار، شماره ۲، ۳۸-۴۷.
۹. شاملو، سعید (۱۳۸۲). مکاتب و نظریه ها در روان شناسی شخصیت. چاپ هفتم، تهران: رشد.
۱۰. عطاری، یوسفعلی؛ امان الهی فرد، عباس ومهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگیهای شخصیتی وعوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره های دولتی شهر اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱، ۱-۱۰۸.

۱۱. کیامهر، جواد (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نئو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه های تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۲. گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۸۰). رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). تبریز: دانیال.

۱۳. گروسی فرشی، میرتقی؛ مهریار، امیر هوشنگ و قاضی طباطبائی، محمود (۱۳۸۰). کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو و بررسی تحلیل ویژگی ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه های ایران. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، سال یازدهم، شماره ۳۹، ۱۹۸-۱۷۳.

۱۴. نیک بخش، رضا؛ مشرف جوادی، بتول و مظفری، سید امیراحمد (۱۳۸۶). رابطه صفات شخصیتی (مدل پنج عاملی شخصیت) بازیکنان حرفه ای بسکتبال با میزان غیبت آنان. نشریه علوم حرکتی و ورزش، سال پنجم، شماره ۱۰، ۹۵-۱۰۵.

منابع انگلیسی:

1. Costa Jr, P. T., & McCrae, R. R. (۱۹۹۲). Neo personality inventory-revised (neo-pi-r) and neo five-factor inventory (neo-ffi) professional manual. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
2. Cahill. L., Prins, B., Weber, M., & McGaugh, J. L. (۱۹۹۴). B-Adrenergic activation and memory for emotional events. Nature, ۳۷۱, ۷۰۲-۷۰۴.
3. Costa, P. T. JR., & Mc Crae, R. R. (۱۹۹۲). Professional Manual, NEOPI – R and NEO – FFI Psychological Assessment Resources, Inc.
4. Eisenberg, N., Hofer, C., & Vaughan, J. (۲۰۰۷). Effortful control and its socioemotional consequences. New York : Guilford Press.
5. Estrada, C. A., Isen, A. M., & Young, M. J. (۱۹۹۷). Positive affect facilitates integration of information and decreases anchoring in reasoning among physicians. Organizational Behavior and Human Decision Processes, ۷۲, ۱۱۷-۱۳۵.

۶. Garnefski, N., Koopman, H. M., Kraaij, V., & Cate, T. R. (۲۰۰۹). Brief report: Cognitive emotion regulation strategies and psychological adjustments in adolescents with a chronic disease. *Journal of Adolescence*, ۳۲, ۴۴۹-۴۵۴.
۷. Garnefski, N., Kraaij, V. & spinhoven, P.H. (۲۰۰۱). Negative life events, cognitive emotion regulation and depression. *Journal of Personality and Individual Differences*, ۳۰, ۱۳۱۱-۱۳۲۷.
۸. Garnefski, N., Kraaij, V. & Spinhoven, P.H. (۲۰۰۲). Manual for the use of the cognitive emotion regulation questionnaire. Leiderorp: Datec.
۹. Garnefski, N., & kraaij, V. (۲۰۰۶). Relationship between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: a comparative study of five specific sample. *Journal of Personality and Individual Differences*, ۴۰, ۱۶۵۹-۱۶۶۹.
۱۰. Garnefski, N., Van Den Kommer, T., Kraaij, V., Teerds, J., Legerstee J., & Qnstein, E. (۲۰۰۲). The relationship between cognitive emotion regulation strategies and emotional problems: Comparison between a clinical and non-clinical Sample. *European Journal of Personality*, ۱۶, ۴۰۳-۴۲۰.
۱۱. Gross, J. J. (۱۹۹۸). The emerging field of emotion regulation: An integrative review. *Review of General Psychology*, ۲, ۲۷۱-۲۹۹.
۱۲. Gross, J. J. (۲۰۰۷). *Handbook of emotion regulation*. New York: Guilford Press.
۱۳. Gross, J.J. , & John, O.P.(۲۰۰۳). Individual differences in two emotion regulation processes: Implication for affect ,relationship ,and well-being. *Personality and social Psychology*, ۸۵, ۳۴۸-۳۶۲.
۱۴. Gross, J.J., & Munoz, R.F. (۱۹۹۵) .Emotion regulation and mental health .*Clinical Psychology: Science and Practice*, (۲), ۱۵۷-۱۶۴.

۱۵. Gross, J.J., Richards, J.M., & John.O.P.(۲۰۰۶).Emotion Regulation in Everyday Life.InD.K.Srryder.J.A.Simpson, & J.N.Hughes(Eds.), Emoyion Regulation in couples and families:parthways todysfunction and health .Washington , Dc: Ameriecan Psychological Association.
۱۶. Gross, J. J., & Thompson, R. A. (۲۰۰۷). Emotion regulation: Conceptual foundations. New York : Guilford Press.
۱۷. Hesse, C., & Floyd, K. (۲۰۱۱). Affection mediates the impact of alexithymia on relationship. Journal of Personality and Individual Differences, ۴(۶), ۴۳-۴۷.
۱۸. Lazarus, R. S. (۱۹۹۱). Emotion and Adaptation. Oxford, UK: Oxford University Press.
۱۹. Lewies, M., & Haviland, J.M. (۲۰۰۰).Hand book of emotion.New York : Guilford press.
۲۰. Mc Crae, R.R., & Costa, P.T. (۱۹۸۷). Validation of the Five-factor Model of Personality across Instruments and Observers. Journal of Personality and Social Psychology, ۵۲, ۸۱-۹۰.
۲۱. Mc Crae, R. R., & Costa, P. T. (۲۰۰۴). A contemplated revision NEO five factor Inventory. Journal of Personality and Individual Differences, ۳۶, ۵۷۸-۵۹۶.
۲۲. Nesse, R. S., & Ellsworth, P. C. (۲۰۰۹). Evolution, emotions, and emotional disorders. American Psychological Association, ۲, ۱۲۹-۱۳۹.
۲۳. Schutte, N., Malouff, J.M., Thorsteinsson, E.B., Bhullar, N., & Rooke, S.E. (۲۰۰۷).Ameta- analytic investigation of relationship between emotional intelligence and health. Journal of Personality and Individual Differences, ۴۲(۶), ۹۲۱-۹۳۳.
۲۴. Shafer, D.R. (۲۰۰۰).Social & personality development .C.A: Wads Worth.

۲۵. Tangney, J. P., Meyer, P., Furukawa, E., & Cosby, B. (۲۰۰۲). The criminogenic cognitions scale. George Mason University.
۲۶. Thompson, R. A. (۱۹۹۴). Emotional regulation: A theme in search for definition. Monographs of the Society for Research in Child Development, ۵۹, ۲۵-۵۲.
۲۷. Youman, K. (۲۰۱۰). Wrongful Incarceration? Race differences in reported innocence among jail inmates (Doctoral dissertation).



The Relationship of Five Big Personality Factors and Cognitive Emotion Regulation Strategies with Brutal Normal Behaviors in Referrals to Semnan Police Offices

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between five personality factors and cognitive emotion regulation strategies with normative behaviors in referring to Semnan police stations. The present study is a descriptive correlation study. The statistical population of this study was referred to the disputes and disputes center of Semnan city police out of ۶۱۲ cases of conflict and ۲۳۶ cases were selected by random sampling method based on Cochran formula. Neo Personality Questionnaire, Garnefsky et al. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire and Criminological Cognitive Questionnaire were used for data collection. The results of data analysis showed that only the neurotic component had a significant relationship with normative behavior. Also, the neurotic component along with the extraversion component was able to predict the variable of normative behavior and between normative behavior variable and cognitive emotion regulation, the components of self-blame, acceptance of conditions, rumination, re-focusing, positive re-evaluation, catastrophic, blame. There is a relationship with others. According to these findings, According to these findings, the neurotic component has a significant relationship with norm-breaking behavior. The neurotic component, along with the extroversion component, has been able to predict the normative behavior variable. the highest predictor of normative behavior was related to the rumor component, followed by the component of catastrophic perception, blame others, and positive reappraisal, respectively.

Keywords: five personality factors, cognitive emotion regulation strategies, normative behavior